تحدید السفر

حضرة الباب

نسخه اصل فارسی



تحدید السفر

- "فی ان لا یحلّ السّفر لاحد الّا اذا اراد بیت الله او بیت النّقطة بعد استطاعته او اراد ان یتجر او یرید ان یزور حروف الحیّ اذا استطاع علی الرّوح و الرّیحان او اراد ان ینصر احدا فی سبیل الله و من یجبر احد علی احد فی سفر و یدخل بیته بغیر إذنه او یرید ان یخرجه من بیته بغیر إذنه حرم علیه زوجته تسعة عشر شهر و ان یتعدّ احد عن ذلك الحکم و لم یعمل به فعلی شهداء البیان ان یأخذوا عنه خمس و تسعین مثقالا من ذهب حیث لا مردّ و اذا اراد ان یجبر احد علی احد فرض علی من علم او یطّلع ان یحضر و یمنعه و ان علم و لم یحضر فیحرم علیه زوجته تسعه عشر یوما و لم یحلّ له بعد انقضاء التّسعة و العشر الّا و ان یأتی تسعة عشر مثقالا من ذهب ان استطاع و الّا من فضّة و ان لم یقدر علی الفضّة فلیستغفر الله تسعة عشر مرّة الی ان یقدر و ینفق الی شهداء البیان لینفقوا علی من یؤذّن باعلی صوته ثمّ علی الفقراء و المساکین من اهل الدّین و الکتاب کلّ علی حسب شأنه و لا یسافر احد دون سفر الواجب من الحجّ او الحضور بین یدی النّقطة الّا اذا اراد ان یزور او یتجر فلا ینبغی له ان یطولن ایّام سفره و ان اراد ان یطول فعلیه ان یرفعن ما یتعلّقن به من کینونیّة خلقت من ذاته او لا یطولن اکثر من ثمانیة و ثلثین شهرا الّا لمن یتجر فی البحر فانّ له اذن علی قدر خمس و تسعین شهرا و لا یحلّ علیه فوق ذلك و من یتجاوز من ذلك الحدّین ان یقدر علیه ان ینفقنّ اثنی و مأتین من مثقال من ذهب و الّا اثنی و مأتین مثقالا من الفضّة. ملخّص این باب آنکه اذن داده شده سفر بسوی بیت و مقعد نقطه اگر استطاعت از برای او باشد و زیارت مقاعد حیّ و تجارت و نصرت نفسی اگر خواهد و دون این اذن داده نشده و در تجارت هر گاه ما خلق عنه نزد او باشد بأسی نیست از برای او و اگر نبوده زیاده از دو حول در برّ اذن داده نشده الّا آنکه سبیل آن قدر همین باشد که آنوقت از برای او اذن الله هست زیاده از آن و در بحر زیاده از پنج حول اذن داده نشده و مبدأ حساب از یوم خروج از بیت است تا دخول بر آن و اگر تجاوز نماید اگر مقتدر است دویست و دو مثقال ذهب و الّا از فضّه بر آن طوری که حکم شده داده باشد که از حدود الله هست و ثمرهٔ این حکم آنکه در یوم ظهور "من یظهره الله" در حین استماع سفر کند بسوی او و مقدّم داند بر آنچه در این باب ذکر شده زیرا اگر کلّ بیان از برای او است و اینکه بابی است از ابواب ظهور دین قبل او که در ظهور بعد آن اگر مجدّد نشود حکم ایمان نمیگردد و سفر جایز نیست الّا بعد از استطاعت بر روح و ریحان الّا در ظهور یوم قیامت که آن وقت واجب میگردد اگر چه بر نعلین باشد زیرا که از برای او خلق شد چگونه میتوان از ثمرهٔ وجود منفك شد اگر کسی ناظر باشد بخلق وجود خود و امر شده از برای کسی که داخل شود بیت کسی را بغیر اذن او یا آنکه یك قدم او را در سفر مجبورا حرکت دهد یا آنکه او را از بیت خود بغیر اذن او بیرون آورد بر اینکه نوزده ماه بر او حلال نیست اقتران و اگر کسی تعدّی کند از این حکم بر شهداء بیان فرض است که جزای تعدّی او نود و پنج مثقال ذهب در حقّ او حکم

نمایند وهر نفسی که عالم شود جبر نفسی نفسی را بر او است که منع نماید واگر تغافل ورزد نوزده یوم حلال نمیگردد بر او اقتران و بعد از انقضاء او نوزده مثقال ذهب اگر استطاعت دارد و الّا از فضّه و اگر نه نوزده مرتبه استغفار کند که آن وقت حلال میگردد بر او اقتران و بعد از استطاعت احدهما بر او است انفاق بسوی شهداء بیان که ایشان بر اهل احتیاج انفاق کنند بر نفوس خود اگر مکلّف دانند و الّا بر مؤذنین و اهل احتیاج از مؤمنین در هر موقف که هست محمود است و ثمرهٔ این آنکه لعلّ در بیان بر نفسی غیر حقّی وارد نیاید لعلّ که عادت کلّ گردد و بر مقصود یوم ظهور او حزنی وارد نیاید که اگر نه از برای او بود حکمی بر هیچ نفسی نمی شد باستحقاق بلکه کلّ از بحر جود او هست که در زمره تکلیف بیرون میآیند و الّا اکثر را حدّ اهمال است زیرا که بعد ازعرض تکلیف قبول امر الله نمی نمایند و خداوند در هر حال غنی بوده از خلق خود و دوست داشته و میدارد که کلّ با منتهای حبّ در جنّات او متصاعد گردند که هیچ نفسی بر هیچ نفسی بقدر نفسی حزنی وارد نیاورد که کلّ در مهد امن و امان او باشند الی یوم القیمة که آن اوّل یوم ظهور "من یظهره الله" است و خداوند عالم هیچ نبّی را مبعوث نفرموده وهیچ کتابی را نازل نفرموده مگر از کلّ اخذ عهد از ایمان بظهور بعد و کتاب بعد گرفته زیرا که از برای فیض او تعطیل و حدّی نبوده و در سفر بعد منازل ممنوع بوده وهست و هر قدر که منازل اقرب و اخف گردد عند الله محبوب تر است واگر منزلی که توان یك روز رفت دو روز رود بر خدا است که مضاعف فرماید رزق او را و اگر در منزلی بر حیوانی مشقّت شود طلب نقمت میکند از خداوند بر مالك خود در هر حال باید ملاحظه نمود حدّ هر حیوانی را که بعد از ورود مالك او در بیان غیر از اخف از تحمّل او بر او وارد نسازد که نفعی که از آن بر میدارد از برای او ثمری نمی بخشد و در سفر مراعات حال اضعف باید نمود در هر حال و آنچه مترتّب کلفت و مشقّت است ممنوع بوده وهست الّا سبل روح و ریحان بر مقادیری که من قبل الله مقّدر شده ومراعات پیادگان درهر حال محبوب بوده و هست و اگر نفسی نفسی را در سبیل رضای حقّ یك قدم سوار کند ثواب یك حج در نامه عمل او نوشته میشود و کدام فضل است از این عظیم تر اگر کسی موفق شود در سبیل خداوند و هرگاه سفر را کلّ مبدّل کنند بر روح و ریحان قطعه میگردد از قطع رضوان آنچه قبل حکم شده بواسطه احتجاب کلّ بوده که بملاحظه های نفع جزئیه تعب بر نفس خود و دیگران وارد میآورند و الّا اگر بر روح و ریحان میبود آن نوع حکم نمیشد و اسفار اعراب امروز شاهد است بر آن حکمی که قبل شده چنین کور درجه بدرجه ترقّی کند که کلّ نتوانند زیاده از یك فرسخ سفر کرد و الله یحفظ من یشاء فی السّبل بإذنه انّه کان علی کلّ شیئ حفیظا."، البيان الفارسي، ١٦ : ٦

• "فلا تسافرنّ إلّا لله وأنتم تستطيعون إلّا عند ظهور الحقّ، فإنّ عليكم أن تسافرن إليه، فإنّكم قد خُلقتم لذلك ولو أنتم بأرجلكم تمشون وليس عليكم فرضا إلّا زيارت البيت ثمّ مقعد "النّقطة" إذا استطعتم ثمّ مقاعد "الحي" والمساجد إن تستطيعون وإن أردتم التّجارة فلا تطوّلنّ في البرّ إلّا حولين ولا في البحر إلّا خمس حول وإن جاوز من أحد فليؤتينّ قرينه إثني وماتين مثقالا من ذهب إن استطاع وإلّا من فضّة إلّا [وأن] ترفعن قرينكم معكم لعلّكم في البيان نفسًا لا تحزنون ومن يجبر أحدًا في سفرٍ ولو كان قدمًا، أو يدخل في بيت أحد قبل أن يؤذن، أو يريد أن يخرجه من بيته بغير إذنه، أو يطلبه من بيته بغير حقّ فيحرم عليه زوجه تسعة عشر شهرًا وإن يتجاوز من أمر الله في ذلك من أحد، فعلى "شهداء البيان" أن يأخذ عنه خمس وتسعين مثقالاً من ذهب ومن أراد أن يجبر على أحد فعلى من عَلِمَ ويقدر ولو كان بعض السّنة فرض أن يَحْضَرَ ويمنعه وَمَنْ لَمْ يَحْضُرْ بَعْد أَن يَقْدِرَ فيحرم عليه زوجه تسعة عشر ولا تحلّ عليه إلّا وينفق تسعة عشر مثقالاً من ذهب إن يَقْدِرَ وإلّا من فضّة، ذلك أن لا تظلم نفس في البيان ومن يرفع صوته بغير حقّ، يخرج من حَدِّ الإنسان، أن يا عبادي فاتّقون."، البيان العربي، ١٦ : ٦